

بررسی مبانی فکری و آرای فقهی - سیاسی امام خمینی ره درباره کارکرد دلیل عقل در اثبات ولایت فقیه

حسین صمدیار* / اصغر عربیان** / سید ابوالقاسم نقیبی***

چکیده

مسائل قابل بحث در این تحقیق این است که نظر امام خمینی ره درباره ولایت فقیه چیست؟ نگاه ایشان به دلیل عقل چگونه است؟ چه نقشی در اثبات مبانی فکری و آراء فقهی سیاسی خود درباره ولایت فقیه برای دلیل عقل قائل می‌باشد؟ بدین منظور، متون فقهی استدلالی و اصولی، آرا و فتاوی ایشان براساس روش تحلیل محتوا بررسی شده است. ایشان دلیل عقل را به‌عنوان دلیل مستقل اصول استنباط در عرض کتاب و سنت پذیرفته‌اند. به‌کارگیری عقل در استنباط احکام شرعی در آثار حضرت امام خمینی آنجایی به اوج خود می‌رسد که ایشان اقدام به تأسیس نهادی به‌عنوان تشخیص مصلحت می‌نماید. امام خمینی نظر خود درباره ولایت فقیه را نخستین بار در کتاب *کشف‌الاسرار* بیان داشته و در آن کتاب با دلیل عقلی، ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه بشری را به اثبات رسانده است.

واژگان کلیدی

مبانی فکری، فقهی سیاسی، امام خمینی ره، دلیل عقل، ولایت فقیه.

*. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
hosseinsamadyar@yahoo.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
a.arabian42@gmail.com

*** دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.
naghibi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۴

۱. طرح مسئله

در هر اندیشه مباحثی وجود دارد که اساسی و برجسته محسوب می‌شوند. این مباحث اساسی مبنای بسیاری از موضوعات جدید است. در مبانی فکری و آرای امام خمینی علیه السلام به‌عنوان یکی از متفکرین و فقهای بزرگ اسلامی، نظریه سیاسی ایشان در دوران معاصر جایگاه ویژه‌ای داشته و از زمان طرح مسئله ولایت فقیه مباحث متعددی انجام گرفته و هنوز هم ادامه دارد. در این باره مباحث مختلف قابل طرح است. در این تحقیق سعی شده است بررسی مبانی فکری و آرای فقهی سیاسی امام خمینی علیه السلام درباره ولایت فقیه و رابطه آن با دلیل عقل به نحو شایسته مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور بررسی مبانی فکری و آرا و همچنین متون فقهی استدلالی و اصولی ایشان براساس روش تحلیل محتوا انجام شده است.

نظر امام خمینی علیه السلام درباره ولایت فقیه چیست؟ نگاه ایشان به دلیل عقل چگونه است؟ چه نقشی در اثبات مبانی فکری و آرای فقهی سیاسی خود درباره ولایت فقیه برای دلیل عقل قائل است؟ با اینکه پژوهش‌های علمی گوناگونی در خصوص درباره ولایت فقیه و همچنین دلیل عقل انجام شده، ولی در مورد مبانی فکری و آرای فقهی سیاسی امام خمینی علیه السلام درباره کارکرد دلیل عقل در اثبات ولایت فقیه تحقیقات گسترده‌ای صورت نگرفته است. با توجه به این خلأ، هدف نگارنده نیز تبیین و ارائه پاسخ مناسب به پرسش‌ها و ابهامات موجود مطرح شده است. نوآوری این تحقیق در مقایسه با دیگر پژوهش‌ها این است که علاوه بر تبیین نظرات امام خمینی علیه السلام درباره ولایت فقیه و همچنین دلیل عقل، ارتباط این دو مقوله را برقرار کرده و کارکرد دلیل عقل در اثبات ولایت فقیه را به‌خوبی بیان کرده است.

در این تحقیق ابتدا مبانی فکری و آرای فقهی سیاسی امام خمینی علیه السلام درباره ولایت فقیه بیان شده و همچنین دلیل عقل از دیدگاه ایشان بررسی گردیده و سپس ارتباط بین این دو برقرار می‌شود. سرانجام نتیجه کلی بحث در قسمت پایانی ارائه گردیده است.

۲. قواعد و اصول اندیشه سیاسی امام خمینی

اندیشه سیاسی منطقی و کارآمد اندیشه‌ای است که ضمن دارا بودن اصول ثابت از انعطاف هم برخوردار باشد. بنابراین با توجه به اینکه مشکلات انسان در عرصه سیاست و زندگی و در بستر زمان نو می‌شود و گاهی وضعیت و امکانات نیز در شرایط یکسانی - در بستر زمان - قرار ندارند، بایسته است اندیشمند سیاسی متناسب با شرایط و امکانات به تعیین اهداف معقول و تعیین سازوکارهای

رسیدن به آن اهداف پیردازد. بر همین اساس است که می‌توانیم از اندیشه‌های سیاسی متفکران با دیدگاه‌ها و نگاه‌های مختلف در درون یک مکتب فکری سخن بگوییم و نیز از تحول اندیشه سیاسی یک متفکر در بستر زمان بحث نماییم. (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ۱۹۶ - ۱۹۵) مهم‌ترین قواعد و اصولی که به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام مبتنی بر آنها باشد، عبارت‌اند از: (همان: ۲۵۵ - ۲۰۳)

۱. اصل تکلیف؛ (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۲ / ۳۲۲؛ ۱۵ / ۷۰)

۲. قاعده تبعیت احکام از مصالح و مفاسد؛ (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۱: ۲ / ۳۳۲ و ۲۵۷؛ همان: ۳ / ۶۲۱ و ۷۶)

۳. اصل مصلحت؛ (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱ / ۲۹۳؛ ۱۰ / ۴۰۷)

۴. اصل حفظ نظام؛ (همو، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۱۹؛ همو، ۱۳۶۵: ۲۳)

۵. اصل عدالت؛ (همو، ۱۳۹۳: ۳: ۳۰۴؛ همان: ۹ / ۴۲۵ - ۴۲۴)

۶. اصل ضرورت حکومت؛ (همو، ۱۳۹۴: ۲۵)

۷. اصل در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان؛ (همو، ۱۳۹۳: ۲۱ / ۲۸۹ و ۲۱۷)

۸. ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع؛ (همو، ۱۳۸۶: ۳ / ۲۰۵)

۹. قاعده مقدمه واجب؛ (همان: ۳ / ۲۳۳؛ همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۳۲۴)

۱۰. اصل اجتهاد. (همو، ۱۳۷۸: ۲۰۴؛ همو، ۱۳۹۳: ۲۱ / ۴۲۶ - ۴۲۴)

۳. نظر امام خمینی علیه السلام درباره دلیل عقل و اعتبار آن و مقایسه آن با سایر اصولیون

با اینکه حضرت امام در آثار خود به تحلیل اصولی دلیل عقل همانند برخی از اصولیون همچون مرحوم علامه مظفر یا شهید صدر و ... پرداخته‌اند و تقسیم‌بندی‌ای از دلیل عقل و جایگاه و پیشینه‌ای همچون دیگران ارائه نکرده‌اند ولی ایشان دلیل عقل را به‌عنوان دلیل مستقل اصول استنباط در عرض کتاب و سنت پذیرفته‌اند و در موارد متعددی تصریح کرده‌اند و با توجه به اینکه استنباط به دلیل عقل بر مبنای مصلحت لازم‌الاستیفا و یا مفسده لازم‌الاحتراز است، ایشان نیز در مسائلی که مصلحت یا مفسده‌ای در احکام اسلامی برای مسلمین باشد، به‌همین صورت حکم کرده و آن را واجب می‌دانند. به‌کارگیری عقل در استنباط احکام شرعی در آثار حضرت امام خمینی آنجایی که اوج خود می‌رسد که ایشان اقدام به تأسیس نهادی به‌عنوان تشخیص مصلحت می‌نماید تا با در نظر گرفتن مصالح یا مفاسد احکام، اقدام به قانون‌گذاری و تشریح در مواردی بنماید. (خستو، ۱۳۹۰، ۱۴۱ - ۱۴۰)

دلیل عقل از ادله علم اصول از منظر حضرت امام خمینی است. (همدانی، ۱۳۹۶، ۱۷۳ - ۱۷۲)

حضرت امام، مقدمه واجب را دارای رویکرد عقلی محض می‌دانند و ابزار تحلیل عقلی در آن را نیز تحلیل عقلی ملازمه بین دلیل وجوب ذی‌المقدمه و وجوب مقدمه به کمک دلالت التزامی معرفی می‌کنند. (امام خمینی، ۱۴۲۳: ۱ / ۲۸۴) از منظر ایشان مقدمه واجب، مسئله ضد و اجتماع امر و نهی از مستقلات عقلی است که در آنها عقل بدون توسیط دلیل نقلی حکم می‌دهد. (همو، ۱۳۷۶: ۱۶ - ۳ / ۱۵)

۴. دلیل عقل در آثار امام خمینی

امام خمینی علیه السلام ولایت فقیه را نخستین بار در کتاب «کشف‌الاسرار» بیان داشته است؛ وی در این کتاب ابتدا با دلیل عقلی، ضرورت وجود قانون و حکومت در جامعه بشری را به اثبات رسانده و سپس با دلیل عقلی مستقل و غیرمستقل و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌ها را نتیجه گرفته است؛ و در دلیل عقلی مستقل به حکمت الهی اشاره کرده و نشان داده است که بالاتکلیف گذاشتن مردم در مسئله حکومت با حکمت خدا سازگار نیست؛ و در دلیل عقلی غیرمستقل به ماهیت قانون اسلام و روح کلی حاکم بر قوانین اسلام استناد کرده است؛ (برجی، ۱۳۸۵: ۱۱ - ۴) و با توجه به اینکه اداره حکومت بدون حاکم و والی امکان ندارد، در عصر حضور، پیامبر صلی الله علیه و آله را به‌عنوان والی و حاکم در حکومت اسلامی معرفی کرده است و در عصر غیبت با استناد به روایات، حق حکومت را تنها برای فقیه عادل قائل شده است و حاکم مشروع و منصوب از جانب معصومان علیهم السلام را فقیه عادل معرفی کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۴ - ۱۸۱)

امام خمینی در کتاب *الرسائل* در همین دوره قبل از انقلاب، پس از اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی با توجه به جامعیت دین اسلام، فقیه را به حکم عقل، قدر متیقن برای تصدی حکومت اسلامی معرفی کرده، و روایات را به‌عنوان مؤید حکم عقل ذکر کرده است. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۹۴)

ایشان در کتاب «لایح» که مهم‌ترین اثر فقهی وی در دوره قبل از پیروزی انقلاب است، درباره ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به تفصیل بحث کرده است. (برجی، ۱۳۸۵: ۱۱ - ۴) امام خمینی علیه السلام در این اثر ارزشمند پس از بیان جامعیت دین اسلام و گستردگی آن در تمام شئون عبادی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... نتیجه گرفته است که هر انسان منصفی که قوانین شرع را ملاحظه کند، یقین می‌کند که این قوانین برای اداره حکومت آمده است؛ و سپس به‌دلیل عقلی مستقل و غیرمستقل استدلال کرده و آنگاه پنج روایت را در تأیید حکم عقل نقل کرده است. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۱)

پس از اثبات ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت درباره حاکم حکومت اسلامی، چنین اظهارنظر کرده که گرچه در زمان غیبت، شخص خاصی برای تصدی حکومت اسلامی تعیین نشده است، اما چون حکومت اسلامی درحقیقت حکومت قانون خدا است، بنابراین باید حاکم اسلامی دارای دو صفت باشد: یکی علم به قانون، و دیگری عدالت؛ و این دو شرط در فقیه جامع‌الشرایط جمع است، پس تمام اختیاراتی را که برای حضرت رسول ﷺ و امامان علیهم‌السلام در امر حکومت و سیاست ثابت است، برای فقیه عادل نیز ثابت دانسته است؛ (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۷) و برای اثبات چنین ولایت مطلقه‌ای برای فقیه از شیوه‌ای ابتکاری استفاده کرده است. در این شیوه امام خمینی با بیان یک سلسله مطالب خدشه‌ناپذیر، بدیهی و بی‌گفتگو به‌عنوان مبانی ولایت فقیه، نتیجه گرفته است که در دوران غیبت کبرا باید حاکمیت و رهبری جامعه اسلامی با اختیاراتی به گونه اختیارات پیامبر ﷺ و امام ﷺ در اداره جامعه، به عهده فقیه جامع‌الشرایط گذاشته شده باشد و اثبات چنین ولایتی برای فقیه از «واضحات عقل»، از «واضح‌ترین احکام عقول»، «بی‌نیاز از برهان» و «ضروری و بدیهی» است. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۴۶۲ / ۲)

با این حال برای تنبه کسانی که بدیهی بودن مسئله را قبول ندارند، دلایل محکم عقلی و نقلی اقامه کرده است. دلیل عقلی مستقلاً که امام خمینی اقامه کرده، بر این پایه استوار است که فقدان حکومت دینی و حاکمی عالم و عادل موجب هرج‌ومرج و اختلال نظام است و این امور با حکمت خدای حکیم سازگار نیست؛ و دلیل عقلی غیرمستقلی که امام خمینی برای اثبات ولایت فقیه اقامه کرده، بر سه پایه استوار است: اول آنکه حکومت اسلامی در همه دوره‌ها باید تشکیل شود؛ دوم، ماهیت و هدف حکومت اسلامی حکومت قانون الهی است و سوم برای رسیدن به هدف فوق، حاکم باید عالم به قانون خدا و عادل باشد؛ دست برداشتن از شروط فوق به‌معنای آن است که خداوند، جاهل و ظالم و فاسق را والی مسلمانان کرده و بر مقدرات و اموال و نفوس آنان مسلط کرده، و این معقول نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۲)

۵. دلیل عقل و آمیختگی دین و سیاست از منظر امام خمینی

دلایل عقلی بر دو گونه است: محض و غیرمحض. دلیل عقلی محض، آن است که تمام مقدمات آن، امور عقلی باشد و دلیل عقلی غیرمحض، آن است که برخی از مقدمات آن امور عقلی و برخی غیرعقلی است. آنچه در اینجا به‌عنوان دلایل عقلی آمیختگی دین و سیاست از نظر امام خمینی مطرح می‌شود، دلایل عقلی غیرمحض است. (ناصری، ۱۳۸۹: ۵۸)

الف) جامعیت دین اسلام و لزوم حکومت

یکی از دلایل آمیختگی دین و سیاست، جامعیت دین اسلام است. جامعیت دین اسلام به این معنا است که تمام نیازمندی‌های انسان در کتاب و سنت آمده است و یا از طریق کتاب و سنت می‌توان آن نیازمندی‌ها را مرتفع ساخت. دین اسلام براساس نص قرآن، دارای جامعیت است. جامعیت قرآن با عبارت‌هایی چون: «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹) «كُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلاً» (اسراء / ۱۲) و اتمام نعمت و اكمال دین (مائده / ۳) بیان شده است. در روایات نیز جامعیت دین اسلام مورد تأکید قرار گرفته است.

در جامعیت قرآن، ممکن است راه افراط و تفریط پیموده شود؛ ولی راه معقول و میانه این است که جامعیت آن نسبت به هدف که سعادت بشر است، سنجیده شود. بر اساس این جامعیت دین اسلام، مستلزم این است که در حکومت و سیاست که نقش مهم و غیرقابل انکار در سعادت و یا شقاوت جامعه دارد، دخالت کرده باشد. (ناصری، ۱۳۸۹: ۵۸)

امام خمینی از جمله کسانی است که به شدت از جامعیت اسلام طرف‌داری می‌کند. ایشان این اندیشه را که اسلام دین جامعی نیست به منزله جنگ با اسلام می‌دانند. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۸) از نظر ایشان، دین اسلام عهده‌دار همه نیازهای بشر از جمله امور سیاسی و اجتماعی است؛ (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۵) همان‌گونه که احکام شرع، مشتمل بر مقررات و قوانین متنوعی است که در مجموع یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این احکام از مسائلی مانند معاشرت اجتماعی و امور خصوصی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملت‌ها و قوانین جزایی و حقوق و نظایر اینها وجود دارد. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۱)

ایشان به کتاب‌های فقهی حوزه‌های علمیه اشاره می‌کند که در آنها از میان پنجاه و چند باب فقهی، فقط تعداد محدودی به عبادات اختصاص دارد و باقی ابواب فقه به امور سیاسی، اجتماعی و معاشرت با دیگران و مانند اینها مربوط می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۶ / ۴۳) سیاسی بودن دین اسلام، این چنین مورد تأکید امام است:

اسلام دین سیاست است، به تمام شئون که سیاست دارد. این مسئله برای هر کسی که کمترین تدبیر در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نماید، آشکار می‌گردد. هر کسی را که گمان بر این است که دین از سیاست جداست، نه اسلام را شناخته و نه سیاست را. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۲۱)

البته ایشان واقف بود که نشان دادن همه زوایای مباحث سیاسی و اجتماعی اسلام، نیازمند تلاش‌های بیشتر و احیاناً اجتهاد است؛ به همین جهت فرموده است:

و بالأخره هر طایفه‌ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم [باید] به بُعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن، وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب، سرچشمه همه چیز است. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۰ / ۹۳)

ب) ماهیت قوانین اسلام و لزوم حکومت

بخش عظیمی از قوانین اسلامی، مانند انفال، خمس، زکات، قصاص، دیات و نظایر اینها، دارای ماهیت حکومتی است؛ به طوری که این قوانین نشان‌دهنده مدیریت کلان جامعه اسلامی و یا حکومت اسلامی می‌باشد؛ زیرا در این دسته از قوانین یا حاکم اسلامی حق انحصاری یا ویژه دارد، مانند انفال، خمس، زکات و جزیه و یا در دسته دیگر از این قوانین، اصل اجرا و یا حسن اجرای آنها نیازمند حاکم اسلام و یا حکومت اسلامی است. گویا شارع مقدس در حین وضع این قوانین، اصل حکومت اسلامی را امری مفروض گرفته است. (ناصری، ۱۳۸۹: ۵۸)

امام خمینی، ماهیت حکومتی این احکام را یکی از دلایل ضرورت حکومت اسلامی و یا آمیختگی دین و سیاست می‌داند. از نظر ایشان، ماهیت و کیفیت این نوع احکام نشان می‌دهد که این دسته از احکام برای تکوین دولت و اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی وضع شده است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۰)

ایشان نمونه‌های زیادی از احکام اسلامی را مثال می‌زند که ماهیت حکومتی دارند؛ قانون خمس یکی از این قوانین است. خمس یک واجب مالی است که از تمام عواید و درآمدها گرفته می‌شود. از نظر امام خمینی این میزان از خمس برای اداره دولت اسلامی و نیازهای مالی آن است، نه صرفاً برای رفع نیازمندی فقرا؛ به ویژه اینکه حق سادات و فقرا به اندازه امرار معاش آنان است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۱) سایر امور مالی، مانند زکات، خراج و جزیه نیز حق حاکم اسلامی و در اختیار او است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۴ - ۲۳)

امام خمینی به مسئله دفاع و وجوب آن نیز توجه کرده است. به اعتقاد وی، حکم دفاع از تمامیت ارضی بلاد اسلامی واجب است. باید براساس دستور اسلامی، هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ، آمادگی دفاعی داشت. این نوع آمادگی نیازمند حکومت است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۴) از دیگر قوانینی که ماهیت حکومتی دارد می‌توان به قوانین دیات، حدود و قصاص اشاره کرد. حضرت امام می‌فرماید:

این امور باید با نظر حاکم اسلامی اجرا و تنفیذ گردد و بدون حکومت، کسی قادر به اجرای آنها نیست. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۵)

به‌طور کلی، از منظر امام خمینی اسلام برای تأسیس حکومت عادلانه آمده است و در آن حکومت، قوانین مالیات، بیت‌المال، جزا، قصاص، حدود، دیات، قضا، جهاد، دفاع، معاهدات بین‌المللی و نظایر اینها وجود دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۱۸) این دلیل به‌طور خلاصه چنین است:

الف) احکام زیادی در اسلام وضع شده است که ماهیت حکومتی دارند.

ب) در برخی از این احکام، فقط حاکم، متولی است؛ مانند قوانین انفال و خمس.

ج) اجرای برخی از این احکام نیازمند حکومت است؛ مانند قانون جهاد و دفاع.

د) در برخی از این احکام، فقط حاکم اسلام مجری است و یا با نظارت حاکم اسلامی اجرا می‌گردد؛ مانند حدود و قصاص.

ه) پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که شارع مقدس در حین وضع این قوانین، وجود حکومت را امری مفروض و مسلم گرفته و صرفاً به وضع احکام با ماهیت و کیفیت حکومتی بسنده کرده است. از این مطلب به‌وضوح آمیختگی دین و سیاست را می‌توان نتیجه گرفت. (ناصری، ۱۳۸۹: ۵۸)

۶. دلیل عقل و مشروعیت سیاسی حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی

عصر عقل در اندیشه سیاسی امام خمینی بسیار پررنگ و برجسته است. در بحث مشروعیت سیاسی حاکمیت نیز مهم‌ترین ادله امام عقل است و ادله نقلی صرفاً مؤید آن است.

در هر صورت برای اثبات اینکه منشأ مشروعیت حکومت اسلامی، تنها به نصب و تعیین الهی است، امام به ادله کتاب، سنت و عقل تمسک جستند. در اینجا به برهان عقلی امام می‌پردازیم:

از منظر امام، اصل بر عدم ولایت کسی بر کسی یا افراد دیگر است، مگر اینکه اصل فوق به‌وسیله ادله قید خورده باشد. در ادله قرآنی و روایی پیش‌گفته معلوم شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصومین علیهم السلام و نیز فقهای جامع‌الشرایط استثنا شده و از جانب شارع مقدس نصب شده‌اند، اما اکنون سؤال این است که آیا نصب و مشروعیت الهی را با برهان عقلی که یکی از منابع فقهی محسوب می‌شود، می‌توان ثابت کرد؟ امام خمینی در استنباط از عقل چگونه تحلیل می‌کنند؟ (مقیمی، ۱۳۹۵: ۲۹۸)

ادله عقلی امام خمینی در خصوص منشأ مشروعیت، به سه دسته قابل تقسیم است: برخی از آنها کلامی است؛ یعنی همان ادله‌ای که - مثل قاعده لطف - نبوت و امامت را ضروری و واجب می‌دانند، همان ادله دلالت بر نصب و مشروعیت الهی ولی فقیه جامع‌الشرایط دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۴۵، ۴۴۲ و ۴۶۱)

از این رو امام مسئله ولایت را امتداد مسئله نبوت و امامت می‌داند. دسته دوم ادله عقلی محض هستند؛ یعنی کلیه مقدمات آن عقلی است. دسته سوم ادله عقلی - نقلی‌اند. (مقیمی، ۱۳۹۵: ۲۹۸)

۷. ضرورت حکومت اسلامی مبتنی بر دلیل عقل از منظر امام خمینی

در توضیح پیرامون دلیل عقلی ضرورت حکومت اسلامی اشاره‌ای کوتاه پیرامون اصل کارایی عقل، اجتناب‌ناپذیر است. تمام کارایی‌های عقل در تقسیمی کلی به دو قسم استقلالی و غیراستقلالی تقسیم می‌شود. منظور از کاربرد استقلالی عقل آن است که در کنار کتاب و سنت، دلیل حکم شرعی قرار گیرد؛ این کاربرد دو نوع است:

الف) مستقلات عقلیه: [که] مراد مواردی است که کلاً به عقل مربوط می‌شود و عقل در صغرا و کبرای قیاس حاکم است.

ب) غیرمستقلات عقلیه: [که] مراد مواردی است که تنها کبرای قیاس در اختیار عقل قرار دارد. (علیدوست، ۱۳۹۱: ۶۴)

بنابراین عقل در سه جایگاه کاربرد استقلالی دارد: صغرا و کبرای مستقلات و کبرای غیر مستقلات. (همان: ۶۷ - ۶۶)

از طرفی دقت در کبرای مستقلات و غیرمستقلات نشان می‌دهد، اثبات کبرا در هر دو مورد، بر پذیرش «ملازمه میان حکم عقل و شرع» توقف دارد، ولی اگر ملازمه میان حکم عقل و شرع را نپذیریم، بر فرض که عقل لزوم انجام دادن یا ترک کاری را درک کند و حتی بدان حکم کند، نمی‌توان از آن حکم شرعی استنباط کرد». (همان: ۶۷)

از آنجاکه هرگاه انسان با مراجعه به عقل خویش، در انجام دادن کاری مصلحت تام که غفلت از آن نادرست و به‌دست آوردنش الزامی است، مشاهده کرد و در این درک، قاطع بود آنگاه عقل عملی به لزوم انجام دادن آن حکم می‌کند؛ چنان‌که وقتی در پدید آمدن عملی، مفسده کامل که لزوماً باید از آن پرهیز شود، مشاهده کرده، بی‌تردید عقل عمل به لزوم ترک آن حکم می‌دهد و از آنجاکه عقل در این درک تردید ندارد، این را هم درک می‌کند که هر قانون‌گذار مصلحت‌اندیش و حکیم باید به لزوم انجام دادن فعل واجد مصلحت و ترک فعل واجد مفسده حکم کند و این را انسان عاقل در درون خویش می‌یابد. (همان: ۹۴)

بدین‌نحو مبانی عقلی - نظری ملازمه حکم عقل و شرع تمهید گردیده و به قاعده معروف «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» رهنمون می‌گردیم و مقدمات لازم جهت کشف حکم شرعی از مجرای دلیل عقل ایجاد می‌گردد. مبتنی بر این بنیاد اصولی است که امام خمینی در کتاب *کشف الاسرار* و

با استناد به مستقالات عقلیه برای ضرورت حکومت اسلامی به مثابه حکومت مبتنی بر قصود شارع چنین استدلال کرده‌اند. (گردشتی، ۱۳۸۹: ۱۷)

آیا خدایی که این جهان را با این نظم و ترتیب بدیع از روی حکمت و اصلاح خلق کرده و خود بشر را می‌شناخته که چه موجود عجیبی است که در هریک هوای سلطنت همه جهان است و هیچ‌یک بر سر سفره خود نان نمی‌خورد و در نهاد هرکس تعدی و تجاوز به دیگران است، ممکن است آنها را بدون تکلیف رها کند و خود یک حکومت عادلانه در بین آنها تشکیل ندهد، ناچار این کاری که از حکم خرد بیرون است، نباید به خدای جهان که همه کارش براساس محکم عقل بنا نهاده شده، نسبت داد، پس باید تأسیس حکومت و وضع قوانین جاریه در ممالک را خود عهده‌دار شده باشد و قانون‌های او ناچار همه‌اش بر پایه عدل و حفظ نظام و حقوق بنا نهاده شده [است]. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۳ و ۱۸۴)

از سوی دیگر ایشان با عنایت به ماهیت احکام اسلامی و یا غیرمستقالات عقلیه چنین توضیح می‌دهد که: «اولاً احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است: از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و همشهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل؛ از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می‌دهد که نکاح چگونه صورت بگیرد و خوراکی انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیرخوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با همدیگر و با فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند - انسان کامل و فاضل - انسانی که قانون متحرک و مجسم است و مجری داوطلب و خود کار قانون است. معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط به خدمت تربیت انسان مهذب و بافضیلت در آید. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کافی فصلی است به‌عنوان تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است، و «کتاب» یعنی قرآن «تبیان کل شیء» است، روشن‌گر همه چیز و همه امور است: امام سوگند یاد می‌کند (طبق روایات) که تمام آنچه ملت احتیاج دارد، در کتاب و سنت هست و در این شکی نیست». (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۹)

ایشان تصریح دارند که: «با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است؛ و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد. اکنون بعضی موارد ذکر می‌شود: (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۰)

الف) مستقلات عقلیه

امام خمینی در کتاب *کشف الاسرار* و در پاسخ به شبهه نویسنده کتاب *اسرار هزارساله* مبنی بر اینکه نیابت فقیه از جانب امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت دارای اشکالات فقهی و علمی است، (گردشتی، ۱۳۸۹: ۸۶) فرموده:

ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی تاکنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم یا سلطنت حق ماست. آری آن‌طور که ما بیان کردیم اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که آن خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است. البته تشکیلاتی که براساس احکام خدا و عدل الهی تأسیس شود، بهترین تشکیلات است لکن اکنون که آن را از آنها نمی‌پذیرند اینها هم با این نیمه تشکیلات هیچ‌گاه مخالفت نکرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۶)

ب) غیرمستقلات عقلیه

امام خمینی پس از اشعار به دلیل عقلی مستقل بر ضرورت ولایت فقیه به نیابت از امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت با استناد به احکام فقهی یا همان غیرمستقلات عقلیه در صدد اثبات این شأن برای فقها برآمده (گردشتی، ۱۳۸۹، ۸۶) و می‌فرماید:

حاکم در حقیقت قانون [اسلام] است (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۷۳) و «چون حکومت اسلام حکومت قانون است، قانون‌شناسان و از آن بالاتر، دین‌شناسان یعنی فقها باید متصدی آن باشند. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۷۲)

۸. مبانی و اصول حکومت از دیدگاه امام خمینی

مبانی و اصولی که به نظر می‌رسد ساختار حکومت از دیدگاه امام خمینی مبتنی بر آنها باشد، عبارتند از: (مقیمی، ۱۳۹۴: ۲۴۶ - ۲۳۸)

۱. اصل جامعیت دین (مبنای کلامی - عقلی)؛ (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۲۰ - ۶۱۹)

۲. اصل اجتهاد لازم (مبنای فقهی)؛ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰۴؛ امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۱ / ۴۲۶ - ۴۲۴)

۳. اصل لزوم حکومت (مبنای عقلی)؛ (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۷۷؛ امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۹ - ۱۸۷)

۴. اصل مقدمه واجب (مبنای اصولی)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۵۵؛ امام خمینی، ۱۳۹۳: ۲۱ / ۲۸۹)

۵. قاعده لطف (مبنای کلامی)؛ (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۵۱ و ۶۵)

۶. اصل امامت و رهبری (مبنای کلامی). (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۵ و ۲۰ - ۱۹)

اصل لزوم حکومت (مبنای عقلی) از دیدگاه امام خمینی

همواره بر اصل ضرورت حکومت در فقه سیاسی شیعه تأکید شده است؛ از این رو در اعصاری که امکان اقامه حکومت نبوده است؛ به سبب مصالح کل اسلام و مسلمانان، فقها با اصل حکومت‌های ناقص برای کاهش ظلم مضاعف همکاری می‌کردند. (مقیمی، ۱۳۹۴: ۲۴۴) امام خمینی در این باره معتقد بودند:

اگر ورود بعضی از علما در برخی از شئون دولت [جائر] موجب به پا داشتن فریضه یا فرایض و یا از بین رفتن منکر یا منکراتی گردد و محذور مهم‌تری مانند هتک حیثیت علم و علما و تضعیف عقاید افراد کم‌ایمان [را] در پی نداشته باشد، واجب کفایی است که شرکت جویند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱ / ۴۷۷)

بر همین مبنا، ایشان در کتاب *کشف‌الاسرار*، از همراهی‌های بسیاری از علمای بزرگ عالی مقام در تشکیلات مملکتی با سلاطین یاد می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۹ - ۱۸۷) تأییدیه مرحوم نائینی نسبت به مشروطه، به سبب کاهش فشار و ستم بوده است؛ یعنی: حکومت مشروطه مرتبه نازل «حکومت ولایت فقهی یا نیابی» است که نسبت به حکومت استبدادی ترجیح دارد. در هر صورت از دیدگاه حضرت امام، عقلاً اجرای احکام فردی و اجتماعی اسلام که اهم واجبات است، بدون «حکومت ولایتی» غیرممکن است. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱ / ۶۵ - ۴۷۳)

امام خمینی با الهام از احادیث معصومان، همانند «انه لأبد للناس من امیر برّ او فاجر» مسئله تشکیل حکومت و حفظ نظام را یک اصل می‌داند. (امام خمینی، ۱۳۶۵: ۸۰)

۹. کارکرد دلیل عقلی در بحث ولایت فقیه از منظر امام خمینی

از منظر حضرت امام بحث ولایت فقیه مطلبی ضروری و بدیهی است و دلیل عقلی در این مورد را تنبّه‌ی بیش نمی‌دانند و تصور آن را در تصدیقش کافی می‌دانند. (حیدری کاشانی، ۱۳۹۶: ۴ / ۱۷۹) ایشان می‌فرمایند:

پس ولایت فقیه بعد از تصور دقیق این حکم، مسئله‌ای نظری که نیازمند به برهان باشد، نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۷)

و در بیان دلیل عقلی خود می‌فرماید:

آنچه دلیل امامت است، خود آن دلیل لزوم حکومت بعد از غیبت ولی امر علیه السلام است. فَمَا هُوَ دَلِيلُ الْإِمَامَةِ، بَعِينَهُ دَلِيلُ عَلِيِّ لَزُومِ الْحُكُومَةِ بَعْدَ غَيْبِهِ وَوَلِيِّ الْأَمْرِ عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۱)

از منظر امام خمینی در عصر غیبت نیز تمامی احکام انتظامی اسلام در رابطه با نظام مالی، سیاسی، حقوقی، کیفری، اقتصادی همچنان ادامه دارد و همین امر موجب می‌شود تا ضرورت حکومت و رهبری امت را در برابر دیدگاه شرع، ایجاب کند و فرد شایسته مسئولیت تأمین مصالح امت و تضمین اجرای عدالت را مشخص سازد. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۱)

و در بیان تفصیلی آن، ضمن یک نگرش کلی به احکام شرعی در مورد مالیات (مسائل اقتصادی به معنای اعم) و سیاست و حقوقی که نسخ در آنها راه ندارد، می‌فرماید:

باقی ماندن این احکام، مقتضی ضرورت حکومت و ولایتی است که والایی قوانین الهی را حفظ کرده و متکفل اجرای آن شود. علاوه بر این، حفظ نظم از واجبات مؤکد است و این واجب جز با وجود والی و حکومت انجام نخواهد گرفت. همچنین حفظ مرزهای مسلمین از تهاجم و حفظ شهرهای مسلمین از غلبه متجاوزان، در دیدگاه عقل و شرع واجب است و ترک این امور از جانب حکیم صانع، معقول نیست.

ایشان سپس شرایط و اختیارات ولی فقیه را در پرتو دلیل عقلی روشن کرده و می‌فرماید:

عقل و نقل با هم متحدند، در اینکه والی باید عالم به قوانین (فقیه) و عادل در میان مردم و در اجرای احکام باشد. بنابراین امر حکومت به عهده فقیه عادل نهاده می‌شود و هم او است که صلاحیت ولایت مسلمین را دارد. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۵)

۱۰. ادله عقلی ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی

الف) اصل بداهت و ضرورت عقلی

به اعتقاد حضرت امام نظریه ولایت سیاسی فقها (تصدیق آن) به‌طور طبیعی از «تصور» کردن مبادی و مبانی آن و هویت اجتماعی احکام دینی، استخراج می‌شود و چندان به برهان و استدلال نیاز ندارد. (مخلص، ۱۳۷۷: ۱۵)

«ولایت فقیه (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳) از موضوعاتی است که «تصور» آنها موجب «تصدیق» می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ به این معنا که هرکس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۶۷)

از دیدگاه امام خمینی، حکومت ولایت فقهی از معلومات عقلیه و از واضحات عقل است؛ یعنی مبنای نظری آن به عقل بدیهی و ضروری برمی‌گردد. عقل با تصور شرایط «فقاہت»، «عدالت» و «کفایت سیاسی» برای ولی فقیه، حکم (تصدیق) به شایستگی حق حاکمیت برای وی می‌کند. (مقیمی، ۱۳۹۴: ۲۱۴ - ۲۱۳)

ب) ضرورت اجرای احکام اسلام

این دلیل به شکل ذیل تلخیص می‌شود:

اسلام علاوه بر احکام عبادی، مقررات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هم دارد؛ اجرای احکام اجتماعی فوق بدون حکومت متناسب با آن ممکن نیست؛ برای اجرای احکام اجتماعی اسلام نیازمند والیان جامع‌الشرایط (عالم، عادل، مدبر) هستیم. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۴۶۰)

نتیجه

دلیل عقل به‌عنوان یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی محسوب می‌شود. همچنین در فقه سیاسی شیعه سیاست شرعی را با تکیه بر حسن و قبح عقلی تفسیر می‌کند. مبنای اندیشه و زندگی سیاسی شیعه در دوره غیبت حسن و قبح عقلی است که تفسیر و تخصیص هر حکم در تعارض با آن انجام می‌شود؛ یعنی انسان هرگاه سزاوار بودن فعلی را درک کرد، فاعل آن عمل را ستایش می‌کند و اگر نامطلوب بودن فعلی را تشخیص داد، فاعل چنین فعلی را مذمت می‌کند. امام خمینی با تکیه بر بنیان دینی حکومت و اینکه حکومت ابزار اجرایی قانون الهی در زمین است و تحقق جلوه‌ای از حاکمیت اوست، در بسیاری از آثار فقهی خود به مشروعیت الهی اشاره کرده است. (امام خمینی، ۱۳۹۳: ۱۰ / ۳۱۰) امام خمینی در کتاب *ولایت فقیه* با استدلال به لزوم وجود نهادهای اجرایی و ضرورت اجرای احکام اسلام و ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام مالی، دفاع ملی، احقاق حقوق و جزایی) و لزوم وحدت بین امت اسلام و ضرورت قیام علما برای نجات مردم مظلوم و محروم همچنین با استناد به سنت رسول اکرم ﷺ و رویه امیرمؤمنان علی ؑ و ... بر ضرورت تشکیل

حکومت اسلامی در عصر غیبت تأکید کرده و می‌فرماید:

استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است. (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۵۰)

ایشان در کتاب *البیع* نیز در این باره می‌فرمایند:

احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی است و تا روز قیامت باقی و لازم‌الاجرا است و اجرای آن جز از طریق برپایی حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست، زیرا در غیر این صورت در جامعه هرج و مرج و اختلال و بی‌نظمی که نزد خدا و خلق، امری قبیح و ناپسند است، بر همه امور مستولی خواهد شد. همچنان‌که حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن نیز عقلاً و شرعاً واجب است و جز با تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۱۹)

از مجموع آنچه از امام خمینی به‌عنوان دلیل عقل ذکر شد، شاید بتوان در یک نظم منطقی و به‌طور خلاصه چنین گزارش کرد:

۱. ضرورت حکومت اسلامی به دلایل متعدد و از جمله اجرای احکام اسلام و جلوگیری از هرج و مرج، از نیازهای بدیهی مسلمانان و از واضحات عقل است و از حکمت خالق مدبر و حکیم به دور است که در این امر اهمال کرده و از آن غافل مانده باشد.

۲. قاعده عقلی تخصیص بردار نبوده، مخصوص زمان و مکان خاصی نیست، لذا همان دلایلی که لزوم امامت را اثبات می‌کند. عیناً لزوم حکومت در عصر غیبت را نیز شامل می‌شود.

۳. طبیعت شیوه حکومت اسلامی که حکومتی مبتنی بر قانون است، اقتضا می‌کند که زمامدار آن دارای دو صفت علم به قانون و عدالت باشد.

در نتیجه برای بیان دلیل عقل بر اثبات ولایت فقیه می‌توان بیان کرد که جامعه برای جلوگیری از هرج و مرج به تشکیل حکومت و طبیعتاً به حاکم و رهبر نیاز دارد.

از منظر دین حکومت وظیفه اجرای قانون الهی و صیانت از ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و احکام شرعی را بر عهده دارد. بنابراین زمامدار این حکومت باید کسی باشد که به احکام الهی و وظایف دینی آگاهی دارد. در غیاب معصوم علیه السلام، عقل فقیهان عادل را قادر بر اداره جامعه و سزاوار این منصب معرفی می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۷، *لاجهاد و التقلید*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۵، *شؤون و اختیارات ولی فقیه*، ترجمه مبحث ولایت فقیه از «کتاب البیع»، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶، *جواهر الاصول*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *کشف الاسرار*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۰، *البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۵، *تحریر الوسیله* (ترجمه)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۶، *جواهر الاصول*، ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۳، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۴، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۹.
۱۱. برجی، یعقوبعلی، ۱۳۸۵، *مردمسالاری دینی*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. بوشهری، جعفر، ۱۳۸۵، *حقوق اساسی (حکومت)*، ج ۵، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ اول.
۱۳. حیدری کاشانی، محمدجواد، ۱۳۹۶، «ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی»، *کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی*، سایت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ص ۱۷۹.
۱۴. خستو، حسین، ۱۳۹۰، *مصدر بودن عقل در استنباط احکام شرعی با تأکید بر آرای حضرت امام خمینی*، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۸۱، *تهذیب الاصول* (تقریر ابحاث الإمام الخمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، *فقه و عقل*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ پنجم.
۱۷. گردشتی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، *مبانی فقهی مشروعیت قدرت سیاسی در اندیشه امام خمینی*، قم، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، چ اول.
۱۸. لک‌زایی، نجف، تابستان ۱۳۹۴، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.

۱۹. مخلص، عباس، ۱۳۷۷، «مبانی و مبادی کلامی ولایت فقیه»، نشریه حوزه، ش ۸۵ و ۸۶ دوره ۱۵.
۲۰. مقیمی، غلامحسین، ۱۳۹۵، کارآمدی روش اجتهادی امام خمینی در تولید اندیشه فقهی - سیاسی، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.
۲۱. ناصری، علی اکبر، ۱۳۸۹، تقریری نو از دلایل آمیختگی دین و سیاست از منظر امام خمینی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۵۸.
۲۲. نرم افزار آثار امام خمینی.
۲۳. نرم افزار جامع اصول فقه.
۲۴. نرم افزار جامع فقه.
۲۵. همدانی، مصطفی، ۱۳۹۶، ادله علم اصول از منظر امام خمینی، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۹.

